



Comparative Study of Asbab al-Nuzul of the Verse “*a Mosque Founded upon Piety*” from Sunni and Shi’ite Viewpoints

Mohammad Hosein Vatheghirad¹

(Received: 09/04/2017; Accepted: 29/07/2017)

Abstract

Since a long time ago there has been argument about the Asbab al-Nuzul of Surah At-Tawbah (Verse 108) on whether it is revealed about Qoba Mosque or Prophet’s Mosque. There are two viewpoints and two series of narratives among Sunnis. With reference to some narratives and other evidence, a group of Sunnis have said that Qoba Mosque is intended by this verse though the referenced narratives are weak and doubtful in content. Primary narrators were Ka’b al-Ahbar, Abdollah ibn Salam, and Abu Harireh, and then they were promoted by Shurahbil, Shahr ibn Houshab. The second series of narratives which are accurate in their reference say that Prophet’s Mosque is implied in the above verse, and some Sunni scholars prefer this viewpoint. There are several narratives in Shi’ite books which consider Qoba as the intended mosque in that verse though these narratives are not trustworthy in reference. With reference to these narratives and also the ones from Sunnis, the Shi’ite commentators have declared that Qoba Mosque is actually meant in the verse. According to the accurate narratives, there is no doubt that Prophet’s Mosque is implied and based on the received evidence it seems that part of the verse saying “in it are men” refers to Prophet’s Ahl al-Bayt.

Keywords: Prophet’s mosque, Qoba, purification, Munafiqun (hypocrites), Jews, Ahl al-Beyt

¹ Faculty Member, University of Art;

Email: m.h.vatheghirad@gmail.com



بررسی تطبیقی شأن نزول آیه «لَمَسْجِدٍ أُسَسَ عَلَى التَّقْوَى» از نگاه اهل سنت و شیعه

محمدحسین واثقی راد^۱

(تاریخ دریافت: ۹۶/۰۱/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۵/۰۷)

چکیده

از دیرباز درباره شأن نزول آیه ۱۰۸ سوره توبه، که درباره مسجد قبا یا مسجد پیامبر نازل شده، اختلاف نظر بوده است. در میان اهل سنت دو دیدگاه و دو دسته روایات وجود دارد. گروهی به استناد روایات و برخی قراین دیگر، گفته‌اند، منظور مسجد قباست. این روایات از نظر سند ضعیف و از نظر محتوی قابل تردید است. روایان اصلی این روایات کعب الاحبار، عبدالله بن سلام، و ابوهریره بوده‌اند و توسط شرحبیل و شهر بن حوشب رواج یافته است. دسته دوم، روایاتی است که می‌گویند منظور مسجد پیامبر است. این روایات از نظر سند صحیحه می‌باشند. تعدادی از دانشمندان اهل سنت همین دیدگاه را ترجیح داده‌اند. البته در کتاب‌های روایی شیعه نیز چند روایت رسیده که منظور آیه را مسجد قبا دانسته‌اند که این روایات هم از نظر سند ضعیف هستند. مفسران شیعه به استناد این روایات و روایات اهل سنت، گفته‌اند منظور مسجد قباست. براساس روایات صحیحه، تردیدی نیست که منظور مسجد پیامبر است و براساس شواهد و قراینی که وجود دارد، به نظر می‌رسد که منظور از فیه رجال، اهل بیت پیامبر باشند.

کلید واژگان: مسجد پیامبر، قبا، تطهیر، منافقان، یهودیان، اهل بیت.

مقدمه

چنین شهرت یافته که آیه ۱۰۸ سوره توبه درباره مسجد قبا و مردم قبا نازل شده است. در این نوشتار، دیدگاه مفسران اهل سنت و شیعه و استدلال آنها نقد و بررسی شده است.

قرآن کریم در این آیه می‌فرماید: «لَمَسْجِدٍ أُسَسَ عَلَيَّ التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يَحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ؛ مسجدی که از روز نخست براساس تقوا بنیان نهاده شد، شایسته است که در آن به نماز بایستی. در آن کسانی هستند که دوست دارند پاک و مطهر شوند. خداوند افراد پاک و مطهر را دوست دارد» (توبه: ۱۰۸).

در کتاب‌های تفسیر، حدیث و تاریخ درباره این موضوع که آیه شریفه فوق درباره کدام مسجد نازل شده، بحث‌هایی شده است. عده‌ای گفته‌اند منظور مسجد قبا، و برخی دیگر گفته‌اند منظور مسجد رسول خداست. در اینجا به نقد و بررسی دلایل و نقد آنها می‌پردازیم.

۱. دیدگاه اول: مسجد قبا

گروهی گفته‌اند، منظور مسجد قباست. برای اثبات این موضوع چند دلیل آورده‌اند.

۱-۱. دلیل اول: روایات

عده‌ای برای اثبات این ادعا که آیه «لمسجد اسس علی التقوی» درباره مسجد قبا نازل شده، به روایاتی استدلال کرده‌اند که طهارت را به شستن عورتین تفسیر کرده است. چون مردم قبا این کار را انجام می‌دادند، این آیه آنها را ستوده است. آنها نیز این طهارت را از همسایگان یهودی خود آموخته بودند که به دستور تورات انجام می‌دادند. در این خصوص، روایت‌هایی رسیده است که به آنها اشاره می‌شود. برای اختصار، برخی از افراد سلسله سند حذف شده‌اند.

روایت اول

عن عتبه بن ابی حکیم: حدثنی طلحه بن نافع: حدثنی ابو ایوب الانصاری و جابر بن عبدالله و انس بن مالک قال: ان هذه الآیه لما نزلت: فيه رجال يحبون... قال رسول الله: يا معشر الانصار ان الله قد اثنى عليكم في الطهور خيرا فما طهوركم هذا؟ قالوا نتوضأ للصلاه و نغتسل من الجنابه. قال: فهل مع ذلك غيره؟ قالوا: لا. غير ان احثا اذا خرج الى الغائط احب ان يستنجي بالماء قال: هوذاك فعليكموه (دارقطنی، ۱۴۲۴ هـ، ۱، ۲۵، ۲؛ مقریزی، ۱۴۲۰ هـ، ۱۰، ۷۴؛ حاکم، ۱۴۱۱ هـ، ۳۲۸۷، ۳۶۵؛ قرطبی، ۱۳۸۴ هـ، ۲۶۱ و ۲۵۹؛ سیوطی، بی تا، ۴، ۲۸۹؛ شوکانی، ۱۴۱۴ هـ، ۲، ۴۰۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ هـ، ۱۱، ۲۰).

از قول ابوایوب انصاری و جابر و انس روایت شده، وقتی این آیه نازل شد، رسول خدا به گروه انصار فرمود: این طهارتی که خداوند آن را به نیکی ستوده، چیست؟ پاسخ دادند: ما برای نماز وضو می گیریم و برای جنابت غسل می کنیم. پیامبر فرمود: غیر از این طهارت دیگری هم دارید؟ گفتند: خیر؛ مگر آنکه در بیت الخلا بعد از قضای حاجت، خود را می شوئیم. پیامبر فرمود: همین است، آن را انجام دهید.

این روایت از نظر سند ضعیف و غیر قابل استدلال است. زیرا در سند این حدیث، عتبه بن ابی حکیم است که او را ضعیف دانسته اند (ذهبی، ۱۳۸۲ هـ، ۳، ۲۸، ۵۴۶۹، ۲، ۳۴۲، ۴۰۱۲؛ ابن عدی، ۱۴۰۹ هـ، ۵، ۳۵۷). نسایی گوید: عتبه بن ابی حکیم، ضعیف است (نسایی، ۱۳۹۶ هـ، ۴۳۶، ۱۷۴). هشام بن عمار اسلمی که نیز در سند این روایت جای دارد، از درباریان بنی امیه بود (ذهبی، ۱۳۸۲ هـ، ۴، ۳۰۲). ابوداود گوید: وی چهارصد حدیث روایت کرده که واقعیت ندارد («... باربع مائة حدیث لا اصل لها؛ یعنی دروغ است» (ذهبی، ۱۳۸۲ هـ، ۴، ۳۰۲).

درباره طلحه بن نافع که راوی دیگر این حدیث است، یحیی بن معین گوید: طلحه بن نافع هیچ ارزش ندارد: «لا شیء» (المزی، ۱۴۰۰ هـ، ۴۳۹، ۲۹۸۳، ۱۱).

روایت دوم

واصل بن السائب عن عطاب بن ابی رباح و عن ابی سوره عن عمه ابی ایوب الانصاری: قال: قالوا (قال): يا رسول الله من هؤلاء الذين قال الله فيهم، فيه رجال...؟ قال: كانوا يستنجون بالماء، وكانوا لا ينامون الليل كله (وهم الجنابه) (طبرانی، ۱۴۱۵ هـ، ۴، ۱۷۹، ۴۰۷۰؛ سیوطی، بی تا، ۴، ۲۹۰؛ هیثمی، ۱۴۱۲ هـ، ۱، ۵۰۰، ۶۱).

از قول ابوایوب آورده‌اند که از پیامبر پرسیدند: این طهارتی که آنها در این آیه ستوده شده‌اند، چیست؟ فرمود: آنها با آب استنجا می‌کنند و شب را تا صبح در حال جنابت نمی‌خوانند.

این روایت نیز قابل استدلال نیست. زیرا یکی از روایان این حدیث *واصل بن سائب* است که تأیید نشده است.

طبرانی در خصوص *واصل بن سائب* می‌گوید: «رواه الطبرانی فی الکبیر وفیه: *واصل بن سائب وهو ضعیف*». نسایی نیز گوید: احادیثش کنار گذاشته شده است: «متروک الحدیث» (نسایی، ۱۳۹۶ هـ، ۲۳۹، ۶۲۹؛ ابن عدی، ۱۴۰۹ هـ، ۷، ۸۵، ۲۰۰۹؛ ذهبی، ۱۳۸۲ هـ، ۴، ۳۲۸). بخاری گوید: منکر الحدیث (بخاری، ۱۳۹۶ هـ، ۱۲، ۶۰۳۸۷؛ ابن عدی، ۱۴۰۹ هـ، ۷، ۸۹، ۲۰۰۹). ابن عدی گوید: روایات همانند روایات ثقات نیست: «و احادیثه لا تشبه الثقات» (ابن اثیر، ۱۴۱۵ هـ، ۷/۸۶). ابوزرعه گوید: ضعیف است (ذهبی، ۱۳۸۲ هـ، ۳۲۸۱۴؛ رازی، بی‌تا، ۹، ۳۰، ۱۴۰). یحیی بن معین گوید: وی هیچ ارزش ندارد: «لا شیء» (ذهبی، ۱۳۸۲ هـ، ۴، ۳۲۸). ابو عبد الرحمن گوید: از پدرم درباره‌ی *واصل* پرسیدم، فرمود: «منکر الحدیث» (رازی، ۱۲۷۱ هـ، ۹، ۳۱).

روایت سوم

ابن عباس: لما نزلت هذه الآية: فیه رجال یحبون ان یتطهروا. بعث رسول الله الی عویم بن ساعده فقال: ما هذا الطهور الذی اثنی الله علیکم؟ فقالوا: یا رسول الله ما خرج منا رجل ولا امرأة من الغائط الا غسل فرجه او قال مقعدته فقال النبی: هو هذا (طبرانی، ۱۴۱۵ هـ، ۱۱، ۵۶، ۱۱۰۶۵؛ هیثمی، ۱۴۱۲ هـ، ۱، ۴۹۸، ۵۹؛ سیوطی، بی‌تا، ۴، ۲۸۹؛ شوکانی، ۱۴۱۴ هـ، ۲، ۴۰۶؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰ هـ، ۲، ۴۰۳).

از قول ابن عباس آورده‌اند، وقتی این آیه نازل شد، پیامبر شخصی را نزد عویم بن ساعده فرستاد و از او پرسید: این طهارتی که خداوند برای آن شما را ستوده چیست؟ گفت: وقتی هر یک از ما وقتی برای قضای حاجت می‌رود، خودش را با آب می‌شوید. پیامبر فرمود: همین است.

در سند این حدیث، محمد بن اسحاق جای دارد. هیثمی گوید: تدلیس می‌کرده است. احمد درباره‌ی او گوید: شخصی است که حرص دارد تا حدیث جمع کند. کتاب‌های

دیگران را می‌گیرد و برخی را در برخی دیگر جای می‌دهد. در جای دیگر نیز می‌گفت: او قابل استدلال نیست: «لیس بحجة». همچنین می‌گفت: او یک حدیث را از یک گروه روایت می‌کند و جدا نمی‌کند که این سخن را از چه کسی و آن را از چه کسی روایت کرده است. یحیی بن معین یک بار او را توثیق می‌کرد و بار دیگر می‌گفت: او قوی نیست (لیس بحجة) و ضعیف است. نسایی هم می‌گفت: او قوی نیست (المزی، ۱۴۰۰ هـ ۲۴، ۴۲۱).

روایت چهارم

هشیم عن عبدالحمید المدنی عن ابراهیم بن اسماعیل الانصاری: ان رسول الله قال لعویم بن ساعده: ما هذا الذی اثنی الله علیکم: فیه رجال: ... قال: نوشك ان نغسل الادبار بالماء (طبری، ۱۴۲۰ هـ، ۱۷۲۵، ۴۷۷، ۶؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰ هـ ۲، ۴۰۴).

در سند این روایت، هشیم بن بشیر جای دارد. ابن سعد گوید: مورد اعتماد است؛ اما بسیار تدلیس می‌کرد. با این وصف، هر وقت گفت «اخبارنا» پذیرفته می‌شود، اما اگر نگفت «اخبارنا»، ارزش ندارد (ابن سعد، ۱۴۱۰ هـ ۳۴۲۲، ۲۲۷، ۷؛ المزی، ۱۴۰۰ هـ ۲۸۷، ۳۰، ۶۵۹۵).

احمد گوید: از افراد بسیاری حدیث نقل می‌کند، در حالی که آنها را ندیده است؛ برای آنکه وی تدلیس را جایز می‌دانسته است (ذهبی، ۱۳۸۲ هـ ۳۰۷، ۴، ۹۲۵۰).

«تدلیس»؛ یعنی اینکه راوی، حدیث را به کسی نسبت دهد، در حالی که حدیث را از او روایت نکرده است. یعنی جایگزین کردن یک راوی به جای راوی دیگر.

روایت پنجم

عن عباد بن حمزه، انه سمع جابر بن عبد الله... وبلغني انه لما نزلت: فیه رجال... قال رسول الله: منهم عويم اول من غسل مقعدته بالماء فيما بلغني (سیوطی، بی تا، ۴، ۲۹۱).

عباد بن حمزه گوید، جابر می‌گفت: وقتی این آیه شریفه نازل شد (فیه رجال...)، پیامبر فرمود: از جمله آنان عویم بن ساعده است. آن گونه که به من خبر داده‌اند، او اولین کسی است که عورتین خود را با آب می‌شست.

در سند این حدیث موسی بن یعقوب جای دارد که درباره او چنین گفته شده است؛ نسایی: لیس بالقوی (نسایی، ۱۳۹۶ هـ؛ ۲۲۳، ۵۸۰؛ ابن عدی، ۱۴۰۹ هـ؛ ۳۴۲، ۱۸۲۰). ابن مدینی: ضعیف، منکر الحدیث (ذهبی، ۱۳۸۲ هـ؛ ۲۲۷، ۸۹۴۵).

روایت ششم

شرح حبیل بن سعد، قال سمعت خزيمة بن ثابت قال: كان رجال منا اذا خرجوا من الغائط يغسلون اثر الغائط فنزلت فيهم هذه الآية: فيه رجال... (طبرانی، بی تا، ۳۷۹۳، ۴۱۰۰؛ طبری، ۱۴۲۰ هـ؛ ۴۷۶، ۱۷۲۴۶؛ ابن کثیر، ۱۴۱۵ هـ؛ ۲، ۴۰۴؛ سیوطی، بی تا، ۴، ۲۹۰؛ هبشی، ۱۴۱۲ هـ؛ ۱، ۵۰۰، ۱۰۶۰).

درباره این روایت الطبرانی گوید: «وفیه ابوبکر بن ابی سبره و هو متروک». شرح حبیل گوید: از خزیمه شنیدم که می گفت: وقتی هریک از ما برای قضای حاجت می رفت، خودش را با آب می شست، و این آیه درباره ما نازل شد.

شرح حبیل بن سعد عن عويم بن ساعدة وكان من اهل بدر، قال: قال رسول الله لاهل قباء: اني اسمع الله قد اثنى عليكم الثناء في الطهور (في قصة مسجدكم) فما هذا الطهور الذي تطهرون به؟ قالوا: والله يا رسول الله ما نعلم شيئا الا انه كان لنا جيرانا من اليهود فكانوا يغسلون ادبارهم من الغائط فغسلنا كما غسلوا (طبری، ۱۴۲۰ هـ؛ ۴۷۶، ۱۷۲۴۵؛ احمد، ۱۴۱۹ هـ؛ ۵، ۲۷۵؛ ۱۵۴۸۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ هـ؛ ۱۱، ۲۰؛ ثعالی، ۱۴۱۸ هـ؛ ۲، ۴۱) (باتغییر عبارت)؛ سیوطی، بی تا، ۴، ۲۸۹؛ شوکانی، ۱۴۱۴ هـ؛ ۲، ۴۰۶؛ خازن، ۱۴۱۵ هـ؛ ۲، ۲۸۲؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰ هـ؛ ۲، ۴۰۳؛ هبشی، ۱۴۱۲ هـ؛ ۱، ۴۹۸، ۱۰۵۴؛ ابن اثیر، ۱۴۱۵ هـ؛ ۴، ۳۰۳، ۴۱۳۸).

پیامبر از مردم قبا پرسیدند: این طهارتی که خداوند شما را با آن ستوده چیست؟ پاسخ دادند: جز این سراغ نداریم که: وقتی همسایگان یهودی ما به بیت الخلا می روند، خودشان را می شویند. ما هم مثل آنها خود را می شویم.

این روایت نیز قابل استدلال نیست؛ زیرا از نظر سند ضعیف است. چون در کتاب‌های تراجم، شرح حبیل بن سعد تأیید نشده است و گویند: او کسی است که از اهل کتاب حدیث روایت می کند. یحیی قطان گوید: تعجب می کنم از کسی که برای نقل حدیث از اهل کتاب پرهیز می کند، اما از شرح حبیل روایت می کند، زیرا چه کسی جز او از اهل کتاب حدیث روایت می کند؟! بر این اساس، وی یکی از افرادی است که روایات اسرائیلی را وارد اسلام کرده است. این روایت نیز شاید یکی از آنها باشد.

بررسی تطبیقی شأن نزول آیه «لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى» از نگاه اهل سنت و شیعه | ۱۱۵

افزون بر اینکه وی روایت کننده اسرائیلیات می باشد، اختلال نیز پیدا کرده بود (المزی، ۱۴۰۰هـ، ۲۷۱۴، ۴۱۳، ۱۲). نسایی: ضعیف (نسایی، ۱۳۹۶هـ، ۱۳۳، ۳۰۹).
محمد بن اسحاق گوید: ما از او روایت نمی کنیم. یحیی گوید: او ارزش ندارد و ضعیف است. مالک بن انس، پیشوای مذهب مالکی، گوید: مورد اعتماد نیست. ابن عدی گوید: بیشتر روایات او منکر است (ذهبی، ۱۲۷۱هـ، ۳۶۸۲، ۲۶۶، ۲).

روایت هفتم

شهر بن حوشب عن ابی امامة قال: قال رسول الله لاهل قباء ما هذا الطهور الذي خصصتم به في هذه الآيه: فيه رجال يحبون ان يتطهروا؟ قالوا: يا رسول الله ما منا من احد يخرج من الغائط الا غسل مقعده (طبرانی، ۱۴۱۵هـ، ۷۵۵۵، ۱۲۱، ۳؛ همان، بی تا، ۳۰۷، ۲۳۱، ۳؛ طبری، ۱۴۲۰هـ، ۱۷۲۳۹، ۴۷۶، ۶؛ هبشی، ۱۴۱۲هـ، ۳۰۳۱، ۴۹۹؛ سیوطی، بی تا، ۲۹۰، ۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵هـ، ۱۱، ۲۰).

ابو امامه گوید: رسول خدا از اهل قبا پرسید: این طهارتی که در این آیه شریفه، شما با آن ستوده شدید، چیست؟ پاسخ دادند: هیچ کسی از ما نیست، مگر اینکه پس از قضای حاجت اثر آن را می شوید.

این روایت نیز از نظر سند ضعیف و غیر قابل استدلال است. زیرا یکی از راویان این روایت، شهر بن حوشب است که از درباریان بنی امیه بوده و در شام می زیسته است. درباره او نظرهایی وجود دارد. جوزجانی درباره او گوید: روایات شهر بن حوشب مثل روایات دیگران نیست. ابن عون و شعبه گویند: روایات شهر بن حوشب را کنار گذاشته اند (متروک) (جوزجانی، بی تا، ۱۴۱، ۹۶؛ بن عدی، ۱۴۰۹هـ، ۴۳۷، ۴؛ عقیلی، ۱۴۰۴هـ، ۱۹۱، ۲؛ ابن حبان، ۱۳۹۶هـ، ۱۳۶۱، ۱، ۴؛ هبشی، ۱۳۸۲هـ، ۳۳۱۱، ۳۸۹، ۳؛ رازی، ۱۲۷۱هـ، ۳۳۸۳، ۳؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵هـ، ۲۳۲، ۲۳، ۲۸۳).

ابن عدی گوید: بیشتر آنچه را که شهر بن حوشب روایت کرده است، قابل قبول نیست. وی کسی است که نمی شود به روایت های او استدلال و به آنها عمل کرد (ابن عدی، ۱۴۰۹هـ، ۴، ۴۰؛ هبشی، ۱۳۸۲هـ، ۳۳۱۱، ۳۸۹، ۳؛ رازی، ۱۲۷۱هـ، ۲۸۴، ۲؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵هـ، ۲۳، ۲۳۰ و ۲۳۷).

نسایی و بخاری گویند: شهر بن حوشب، لیس القوی (نسایی، ۱۳۹۶هـ، ۳۱۰، ۱۳۴؛ بخاری، ۱۳۹۶هـ، ۲۹۴، ۱۹۴؛ هبشی، ۱۳۸۲هـ، ۳۳۸۳، ۱، ۳؛ ۱۹۰۳؛ المزی، ۱۴۰۰هـ، ۲۸۳، ۱۲). قال موسی بن هارون: ضعیف (المزی، بی تا، ۲۸۳، ۱۲). یحیی بن سعید نیز از شهر بن حوشب روایت نمی کرد (المزی، ۱۴۰۰هـ، ۱۴۰۰).

۱۲،۵۸۳؛ ذهبی، ۱۳۸۲ هـ (۲،۲۸۳). همچنین، روایت کسانی را که از شهر بن حوشب روایت می‌کردند، قبول نمی‌کردند (ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ؛ ۲۳،۲۳۶؛ ذهبی، ۱۳۸۲ هـ؛ ۲۸۳، ۲۸۴). صدقه بن مفضل نیز از شهر بن حوشب روایت نمی‌کرد (ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ؛ ۲۳،۲۳۶). ابن عون گوید: در سفر مکه با شهر بن حوشب با هم بودیم؛ او کیسه پول مرا دزدید (ابن عدی، ۱۴۰۹ هـ؛ ۴،۳۸). عباد بن منصور نیز گوید: با شهر بن حوشب به حج رفتیم. وی در بین راه کیسه پول مرا دزدید (ابن عدی، ۱۴۰۹ هـ؛ ۴،۳۸؛ ذهبی، ۱۳۸۲ هـ؛ ۲،۲۸۴؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ؛ ۲۳،۲۳۰؛ ابن جبان، ۱۳۹۶ هـ؛ ۱،۳۶۱؛ ذهبی، بی تا، ۲،۲۸۳).

یحیی بن بکیر گوید، پدرم می‌گفت: شهر بن حوشب مسئول بیت المال بود و درهم‌هایی از بیت المال برای خودش برداشت (ابن عدی، ۱۴۰۹ هـ؛ ۴،۳۸؛ ذهبی، ۱۳۸۲ هـ؛ ۲،۲۸۳).

ابوبکر باهلی نیز گوید: شهر بن حوشب مسئول بیت المال بود و کیسه‌ای از آن برای خودش برداشت (المزی، ۱۴۰۰ هـ؛ ۱۲،۵۸۳؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ؛ ۲۳،۲۳۲).

شهر بن حوشب نیز یکی از کسانی است که اسرئیلیات را روایت می‌کرده است. این روایت نیز از همان روایات اسرئیلی می‌باشد؛ چنان‌که روایت ذیل را از عبدالله بن سلام روایت کرده است.

شهر بن حوشب عن محمد بن یوسف بن عبدالله بن سلام قال: لما قدم رسول الله علينا يعني قباء قال: ان الله قد اثنى عليكم في طهور خيرا افلا تخبروني؟ قال: قوله تعالى: رجال يحبون ان يتطهروا والله يحب المطهرين. قال: فقالوا: يا رسول الله انا لنجده مكتوبا علينا في التوراه الاستنجا بالماء (نحن نفعله اليوم) (ابن ابی شیبہ، ۱۴۰۹ هـ، ۱،۱۴۱، ۱۶۳۰؛ طبری، ۱۴۲۰ هـ، ۶، ۴۷۷، ۱۷۲۵۴؛ احمد، ۱۴۱۹ هـ؛ ۸، ۲۲۱، ۲۳۸۹۴؛ ہیثمی، ۱۴۱۲ هـ، ۱، ۴۹۹، ۱۰۵۸؛ سیوطی، بی تا، ۴، ۲۸۹؛ شوکانی، ۱۴۱۴ هـ؛ ۲، ۴۰۶؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰ هـ؛ ۲، ۴۰۴).

شهر بن حوشب از محمد بن یوسف بن عبدالله بن سلام روایت کرده که، پیامبر در قبا نزد ما آمد و فرمود: از طهارتی که خداوند شما را به آن ستوده به من خبر دهید. گفتیم: دیدیم که در تورات نوشته شده بود که استنجا (پاک نمودن عورت از ادرار و مدفوع) با آب است و ما انجام می‌دهیم.

بررسی تطبیقی شأن نزول آیه «لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى» از نگاه اهل سنت و شیعه | ۱۱۷

عبدالله بن سلام از یهودیان بنی قینقاع و هم پیمان خزر جیان بود که در سال اول یا سال هشتم هجری مسلمان شد (ابن حجر، بی تا، ۲:۳۲۰؛ ابن اثیر، ۱۴۱۵ هـ ۳:۲۶۸). فرزندان او، محمد و یوسف، این روایات را از پدرشان نقل کرده اند و آنها نیز در کتاب های تراجم، توثیق نشده اند.

شرح حال شهر بن حوشب که به آن اشاره شد، دلیلی روشن است که روایت فوق از جمله اسرائیلیات است؛ به خصوص که وی در شام می زیسته و بیشتر اسرائیلیات در آن سرزمین توسط کعب الأحبار و ابوهریره با حمایت بنی امیه نقل و گسترش یافته است.

روایت هشتم

فضیل بن مرزوق عن عطیة قال: لما نزلت هذه الآية: فيه رجال... سالم رسول الله ما طهوركم هذا الذي ذكر الله؟ قالوا: يا رسول الله كنا نستنجد بالماء في الجاهلية فلما جاء الاسلام لم ندعه. قال: فلا تدعوه (طبری، ۱۴۲۰ق، ۶:۴۷۷، ۱۷۲۵۵؛ ابوجیان آندلسی، ۱۴۲۰ هـ ۵:۵۰۵). در توثیق احمد بن اسحاق مطلبی نیامده است (المزی، ۱۴۰۰ق، ۹:۲۶۵).

راوی دیگر این حدیث عطیة عوفی است که ثوری، هشیم، ابوحاتم، احمد و نسایی او را ضعیف می دانستند.

عطیة در سال یکصد و یازده از دنیا رفته است. در این صورت، این روایت افزون بر ضعف راویان، منقطع نیز هست (المزی، ۱۴۰۰ق، ۳۹۵۶:۱۴۵، ۲۰).

روایت نهم

ابوهریره: عن النبي قال: نزلت فيه رجال يحبون ان يتطهروا في اهل قباء. قال: كانوا يستنجون بالماء، فنزلت فيهم هذه الآية (ترمذی، ۱۹۹۸ق، ۹، ۲۸۰، ۳۱۰۰) قال: هذا حدیث غریب من هذا الوجه؛ ابن حجر، ۱۳۷۹هـ، ۷:۳۱۲؛ سیوطی، بی تا، ۴:۲۸۸؛ بغوی، ۱۴۲۰ هـ ۳:۱۰۹؛ شوکانی، ۱۴۱۴ هـ ۲:۴۰۶؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰ هـ ۲:۴۰۳).

ابوهریره: پیامبر فرمود، این آیه درباره اهل قبا نازل شده که عورتین خود را با آب می شستند.

این روایت نیز قابل استدلال نیست، چون ابوهریره متهم به کذب است. روایات ابوهریره را برخی از اهل سنت نیز مردود دانسته‌اند؛ زیرا همیشه با این پرسش روبه‌رو بوده‌اند که وی در سال هفتم، پس از فتح خیبر مسلمان شد و بیشتر از سه سال خدمت پیامبر نبود، چگونه می‌توانسته است این تعداد روایت را فراگیرد؟!

ابوریه آمار روایات او و دیگر صحابه را آورده است (ابوریه، ۱۴۱۳ه، ۱۳۳). ابوریه گوید: ابوهریره را رسول خدا به بحرین تبعید کرده بود (ابوریه، ۱۴۱۳ه، ۸۱). تمام مدتی که وی در مدینه و در نزد پیامبر بود، یک سال و نه ماه می‌باشد (ابوریه، ۱۴۱۳ه، ۶۸). وی در زمان عمر، از تبعید به مدینه برگشت و به کعب الاحبار - که تازه مسلمان شده بود و آن زمان در مدینه می‌زیست - پیوست. روایات اسرئیلی را از او فرامی‌گرفت و برای مردم نقل می‌کرد (ابوریه، ۱۴۱۳ه، ۹۷). وی و کعب الاحبار به شام نزد معاویه رفتند و با حمایت بنی‌امیه اسرئیلیات را رواج دادند (ابوریه، ۱۴۱۳ه، ۱۶۹).

یکی از کارهای ابوهریره «تدلیس» بود. وی برخی از روایات را به رسول خدا یا صحابه نسبت می‌داد؛ درحالی‌که از آنها نشنیده بود (ابوریه، ۱۴۱۳ه، ۱۲۴). افزون‌بر ابوهریره، نام یونس بن الحارث نیز در سند این روایت دیده می‌شود. شوکانی درباره‌ی وی گوید: ضعیف است.

با این وصف، تردیدی نیست که روایت فوق ساخته یهودیان نومسلمان؛ مثل عبدالله بن سلام، کعب الاحبار و ابوهریره است. شهر بن حوشب و دیگران هم این روایت را از اینها گرفته و گسترش دادند.

اینها روایتی بودند که به استناد آنها عده‌ای گفته‌اند آیه «لَمَسْجِدُ أُسَسَ عَلَي التَّقْوَى» درباره‌ی مسجد قبا نازل شده است. همان‌طور که مشاهده شد، تمام آنها روایات ضعیف و غیرقابل استناد بودند.

۲-۱. دیدگاه برخی از صحابه و تابعان

این گزارش از قول عده‌ای از صحابه و تابعان؛ چون ابویوب انصاری، ابن عمر، سهل انصاری، عطیه، ابن بریده، جعفر از پدرش، شعبی، ضحاک، حارث بن نوفل، عروه، قتاده و

ابن زید در کتاب‌های تفسیر آمده است که: چون اهل قبا خود را می‌شستند، این آیه درباره آنها نازل شده است (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ه، ۱۶۳۲، ۱۴۲ه؛ سیوطی، بی تا، ۴۲۸۷ و ۴۷۷ و ۲۹۰؛ طبری، ۱۴۲۰ه، ۱۷۲۵۳، ۶، ۴۷۷، ۱۷۲۲۶؛ ابن سعد، ۱۴۱۰ه، ۲۴۴؛ شوکانی، ۱۴۱۴ه، ۲، ۴۰۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ه، ۱۱، ۲۰؛ قرطبی، ۱۳۸۴ه، ۸، ۲۵۹؛ مقریزی، ۱۴۲۰ه، ۱۰، ۷۴).

خاستگاه این دیدگاه، همان روایت کعب الاحبار است که گفتیم در حکومت بنی امیه رواج و گسترش یافت؛ چه اینکه اینها دیدگاه‌های افراد است و با این دیدگاه‌ها که خاستگاه آنها روشن است، نمی‌توان آیات قرآن را تفسیر کرد.

۳-۱. نقد روایت از نظر سند و محتوی

گفتیم هرچند تعداد این روایات قابل توجه است، اما اینها از دو جهت؛ یعنی سند و محتوی باطل هستند.

سند: چنان که بررسی شد، همه روایات از نظر سند ضعیف و غیر قابل اعتماد هستند. همچنین، ملاحظه شد که اصل آنها را عبدالله بن سلام و کعب الاحبار و ابوهریره ساخته و توسط شهر بن حوشب و شرحبیل رواج یافته است. با توجه به شرح حال ابوهریره و کعب الاحبار و دیگر راویان که اشاره شد، تردیدی باقی نمی‌ماند که اصل آن روایات اسرائیلی است.

محتوا: این روایات افزون بر ضعف سند، از نظر محتوی نیز با آموزه‌های اسلام سازگار نیستند؛ برای اینکه در این گزارش، از «طهارت» فقط به شستن عورتین تفسیر شده است. بدین ترتیب، تردیدی نیست که این تفسیر باطل است، زیرا:

الف) گرچه اسلام به پرهیز و شستن نجاست دستور داده است، اما از جمله عبادات نیست تا موجب تقرب شود. کارهایی که عبادت نباشند، نمی‌توانند مصداق آیه شریفه قرار گیرند، زیرا دوستی خداوند بر آن مترتب شده است. طهارت از نجاست، تنها زمانی تقرب آور است که به عنوان واجب توصلی و با نیت تقرب انجام شود. روشن است که بر حسب روایت فوق، مردم قبا این نوع طهارت را به عنوان واجب توصلی انجام نمی‌دادند. فقط طهارت‌های معنوی که شامل عقاید، اخلاق و عبادات است، موجب تقرب می‌شوند و

«عبادت» به حساب می‌آیند. فخر رازی (۱۴۲۰ هـ، ۶، ۱۴۸) و خازن (۱۴۱۵ هـ، ۲، ۲۸۲؛ الاغم، بی‌تا، ۲۵۷) نیز به این موضوع اشاره کرده‌اند.

ب) همچنین، آیا می‌توان ملتزم شد که این نوع طهارت از آموزه‌های اسلام نبوده و مسلمانان آن را تا سال نهم هجرت انجام نمی‌دادند و فقط مردم قبا بودند که آن را از یهودیان آموخته بوده و انجام می‌دادند؟ روشن است که این سخن در نهایت ناستواری است.

ج) در ضمن، از لازمه این روایات آن است که این طهارت از احکام تأسیسیه اسلام نبوده؛ بلکه از یهود گرفته شده و تأیید دستورات تورات است.

د) این روایات از جهت دیگر نیز استوار نیستند. چون در برخی از آنها آمده است که رسول خدا خود به قبا رفت و پرسید، و در برخی دیگر آمده که کسی را نزد عویم بن ساعده فرستاد.

۱-۴. دلیل دوم: من اول یوم

ممکن است که به عبارت «من اول یوم» استناد شود و آن را به نخستین مسجد تفسیر کرد. گفته‌اند، پیامبر وقتی به مدینه آمد، وارد قبا شد و مسجد قبا را احداث کرد (ماوردی، بی‌تا، ۱۴۳؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰ هـ، ۴، ۲۱۳؛ طبری، ۱۴۲۰ هـ، ۱۴، ۴۷۶ (یراد به: من أول الأيام)؛ وهبه الزحیلی، ۱۴۱۸ هـ، ۱۱، ۳۹؛ الحجازی، ۱۴۱۳ هـ، ۲، ۱۵). این دلیل نیز ناتمام است؛ زیرا «من اول یوم» دو معنی دارد: الف: از روز اول تأسیس. ب: پیش از همه یا روز اول.

استدلال فوق مبتنی بر دو فرض است: ۱. رسول خدا مسجد قبا را در آغاز هجرت و ایام اقامتش در قبا ساخته باشد؛ ۲. من اول یوم، به معنای اولین روز و بیان‌کننده تقدم زمانی؛ یعنی اولین روز هجرت به مدینه باشد.

اما اینکه رسول خدا مسجد قبا را در روزهای اول هجرت تأسیس کرده باشد ثابت نیست؛ زیرا در تأسیس مسجد قبا اختلاف نظر است. برخی گفته‌اند، مهاجران پیش از رسول خدا آن را تأسیس کردند (حلی، ۱۴۲۷ هـ، ۲، ۲۳۷؛ دیار بکری، بی‌تا، ۱، ۳۳۸). برخی گفته‌اند، عمار

سایبانی برای رسول خدا ساخت و بعداً آن را تبدیل به مسجد کرد (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱هـ، ۵۶۵۵، ۴۳۴؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴ هـ ۳، ۲۶۷).

اما من اول یوم؛ روشن است که واژه «من» دلالت بر ابتدا و استمرار دارد و این مفهوم، ظهور در نیت در روز نخست دارد، نه دلالت بر تاریخ تأسیس؛ زیرا معمولاً برای بیان تاریخ از واژه «فی» استفاده می‌شود (بنی فی تاریخ کذا). اگر منظور، تقدم زمانی و تاریخ بود با واژه «فی» بیان می‌شد و می‌فرمود: فی اول الایام. برخی از مفسران نیز به روز تأسیس تفسیر کرده‌اند؛ ابن عادل گوید: عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ بُنَى وَوَضَعَ أُسَاسَهُ (ابن عادل، ۱۴۱۹هـ، ۸، ۳۷۳). زمخشری: مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامٍ وَجُودَهُ (زمخشری، بی تا، ۲، ۴۷۴). الشوکانی: أُسِّسَ عَلَي التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ (شوکانی، ۱۴۱۴ هـ ۲، ۲۵۹). سمرقندی: المسجد الذي بنى على التوحيد من أول يوم (سمرقندی، بی تا، ۲، ۲۶۵). ابن عاشور التونسي گوید: وقد علم أنه ليس أول الأيام كلها (ابن عاشور التونسي، ۱۹۸۴ هـ ۱۱، ۳۲). وهبه الزحيلي: أُسِّسَ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ بَنِيَانَهُ عَلَي التَّقْوَى (وهبه الزحيلي، ۱۴۱۸ هـ ۱۱، ۴۴) بغوی: من أول يوم ای: من أول يوم بنى ووضع أساسه (بغوی، ۱۴۲۰ هـ، ۴، ۹۵).

۵-۱. دلیل سوم: تقابل با مسجد ضرار

گفته‌اند چون در آیات پیش از این، سخن از مسجد ضرار بوده که منافقان آن را در قبا ساختند، بیشتر تناسب دارد که بگوییم این آیه درباره مسجد قبا نازل شده است. این استدلال مبتنی بر آن است که مسجد ضرار برای تقابل با مسجد قبا ساخته شده باشد. برای اثبات این موضوع به این گزارش استناد کرده‌اند:

ابن عباس و گروهی از صحابه و تابعان گفته‌اند: رسول خدا زمانی که در قبا بود، مسجد قبا را ساخت و از این جهت تقابل بین مسجد ضرار و مسجد قبا مناسب‌تر است تا تقابل بین مسجد ضرار و مسجد پیامبر. این موضوع توسط زید بن ثابت، ابن عمر و ابوسعید روایت شده است (ابوحیان آندلسی، ۱۴۲۰ هـ ۵، ۵۰۴؛ ابوالفداء، بی تا، ۱، ۱۲۶؛ ابن حجر، ۱۳۷۹ هـ ۷، ۳۱۱؛ نک: دیار بکری، بی تا، ۱، ۳۳۸).

زمخشری گوید: گفته‌اند که منظور مسجد قباست، زیرا تقابل بین دو مسجدی که در قبا ساخته شده‌اند، مناسب‌تر است (زمخشری، بی تا، ۲، ۳۱۱).

تردید نیست که بین «لَمَسْجِدِ أُسَسِّ عَلَيَّ التَّقْوَى» با مسجد ضرار که در قبا ساخته شد، تقابل است؛ اما اینکه منظور از «لمسجد» مسجد قبا باشد، از چند جهت درست نیست. اهداف مسجد ضرار که در این آیه شریفه بیان شده، عبارت است از: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ». در این آیه تصریح شده که منافقان آن مسجد را برای چهار هدف ساختند: ضرر رساندن، کفر، اختلاف افکندن بین مؤمنان و سنگر قرار دادن برای کسانی که پیش از این با خدا و پیامبر در جنگ بودند. از فراز آخر استفاده می‌شود که منافقان می‌خواستند پایگاهی برای مشرکان قریش و یهودیان که با رسول خدا در حال جنگ بودند، قرار دهند؛ زیرا غیر از مشرکان قریش و یهودیان، کسان دیگری با رسول در حال جنگ نبودند. در این صورت، مسجد ضرار در تقابل با مسجد قبا یا حتی مسجد پیامبر، به‌عنوان یک مسجد که صرفاً در آن نماز خوانده شود، نبوده است. در این آیه، به این موضوع که مسجد ضرار در تقابل با مسجد قبا ساخته شده باشد اشاره یا تصریح نشده است تا ظهور لفظی داشته باشد. مفسران این تقابل را براساس همان روایات ساختگی که گفته شده، بیان کرده‌اند.

از آنجا که هدف آنها مقابله با اسلام بود و مرکز قدرت و مظهر اسلام نیز مسجد رسول خدا بود، بدیهی بود که در تقابل با این مسجد قرار داشت.

مسجد قبا در حاشیه مدینه قرار داشت. نماز خواندن یا نخواندن در آن، تأثیری به‌حال منافقان نداشت. آنها نیز ترسی از مسجد قبا یا مردم قبا نداشتند. منافقان از اسلام و از تجمع در مسجد پیامبر که مظهر اقتدار اسلام بود می‌ترسیدند. هدف نیز نماز خواندن در مسجد ضرار نبود تا بگوییم مردم را از مسجد قبا یا مسجد پیامبر بازدارند؛ بلکه می‌خواستند در پوشش مسجد، پایگاهی داشته باشند تا به اهداف خود برسند؛ وگرنه منافقان که اهل نماز نبودند تا برای برپایی نماز مسجدی بسازند. موضوع «احق أن تقوم فیه» نیز شاهد دیگر بر این بحث است که بعداً بحث خواهد شد؛ که صرف نماز خواندن نیست.

افزون بر اینها تقابل مسجد ضرار با مسجد قبا یک استحسان بیش نیست، زیرا گفته‌اند: تقابل بین مسجد ضرار و مسجد قبا مناسب است.

۲. دیدگاه دوم مسجد النبی

در برابر دیدگاه اول، شماری گفته‌اند: منظور از «لمسجد اسس علی التقوی» مسجد رسول خدا است. برای اثبات این موضوع به روایات و ظاهر آیه و شواهد دیگر می‌توان استناد کرد.

۲-۱. دلیل اول: روایات

روایات متعددی از صحابه رسیده که منظور مسجد پیامبر است.
روایت اول: از ابوسعید خدری یک روایت با چند سند، آمده است.

الف) عبد الرحمن بن ابی سعید خدری از پدرش

احمد بن حنبل: ثنا موسی بن داود و نسایی: اخبرنا قتیبة قال: ثنا لیث عن عمران بن ابی انس عن سعید بن ابی سعید و: ثناء قتیبة قال: عمران بن ابی انس عن ابن ابی سعید الخدری قال: تمار رجلان فی المسجد الذی اسس علی التقوی فقال احدهما (رجل): هو مسجد قباء. وقال الآخر: هو مسجد النبی. فقال النبی: هو مسجدی هذا (احمد، ۱۴۱۹هـ، ۴، ۱۷۸، ۱۸۴۶؛ طبری، ۱۴۲۰هـ، ۱۷۲۳۴، ۶، ۴۷۵، ۱۷۲۳۵؛ ابن جنبدی، بی تا، ۳۵، ۲۲۰؛ بغوی، ۱۴۲۰هـ، ۳، ۱۰۸؛ حاکم، ۱۴۱۱هـ، ۲، ۳۶۴، ۳۲۸۶؛ قال فی التلخیص اسناده جید؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰هـ، ۴، ۴۰۴، ۲؛ نسایی، ۱۴۱۱هـ، ۲، ۳۶، (المساجد)؛ آلوسی، بی تا، ۱۱، ۲۰؛ ابن حجر، ۱۳۷۹هـ، ۷، ۳۱۱؛ سیوطی، بی تا، ۴، ۲۸۶؛ ثعالبی، ۱۴۱۸هـ، ۲، ۱۴۰؛ ترمذی، ۱۹۹۸هـ، ۵، ۲۸۰، ۳۰۹۹؛ قال ابو عیسی: هذا حدیث حسن صحیح)؛ قرطبی، سال ۱۳۸۴هـ، ۸، ۲۵۹؛ مقریزی، ۱۴۲۰هـ، ۷۲، ۱۰).

ابوسعید خدری گوید: دونفر درباره آیه «لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى» گفت و گو می‌کردند. یکی می‌گفت منظور مسجد قباست، و دیگری می‌گفت مسجد رسول خدا. پیامبر فرمود: منظور، مسجد من است.

این روایت از نظر سند صحیح است. راویان آن قتیبه بن سعید بن جمیل (المزی، ۱۴۰۰هـ، ۲۳، ۵۲۳، ۴۸۵۲)، ولیث بن سعید بن عبد الرحمن الفهمی (همان، ۲۴، ۲۵۵، ۵۰۱۶) و عمران بن ابی انس القرشی (همان، ۲۲، ۳۰۹، ۴۴۸۱) توثیق شده‌اند.

مسلم، همین حدیث را با تعبیر دیگری در صحیح روایت کرده است؛ هر چند در سندش حمید خراط قرار دارد که در توثیق او اختلاف است (مسلم، ۱۳۹۲هـ، ۱۳۹۸، ۱۷۸، ۹؛ مقریزی،

۱۴۲۰ هـ، ۷۲، ۱۰؛ ابن حجر، ۱۳۷۹ هـ، ۳۱۱، ۷؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰ هـ، ۴۰۴، ۲؛ بیهقی، ۱۴۰۵ هـ، ۵۴۴، ۲؛ الذهبی، ۱۴۱۳ هـ، ۳۷؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ هـ، ۲۶۷، ۲؛ زمخشری، بی تا، ۳۱۱، ۲؛ حلبی، ۱۴۲۷ هـ، ۲۳۶، ۲؛ خازن، بی تا، ۲۸۲، ۲).

ب) سمعان، أبویحیی الأسلمی از ابوسعید خدری

عبدالله: حدثني ابي: ثنا صفوان: ثنا انيس بن ابي يحيى عن ابيه عن ابي سعيد الخدري ان رجلا من بني عمرو بن عوف و رجلا من بني خدره امتريا في المسجد الذي اسس على التقوى فقال العوفي: هو مسجد قباء و قال الخدري: هو مسجد رسول الله! فاتيا رسول الله فسألاه عن ذلك فقال: هو مسجدي هذا و في ذلك خير كثير (احمد، ۱۴۱۹ هـ، ۱۱۸۶۴، ۱۸۱، ۴؛ طبري، ۱۴۲۰ هـ، ۵، ۴۷۵، ۱۷۲۳۸ و ۱۷۲۳۶؛ بیهقی، ۱۴۰۵ هـ، ۲۱۴، ۲؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰ هـ، ۲۶۶، ۲؛ سیوطی، بی تا، ۲۸۶، ۴؛ شوکانی، ۱۴۱۴ هـ، ۴۰۵، ۲۲؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ هـ، ۵۰۴، ۵؛ مقریزی، ۱۴۲۰ هـ، ۷۲، ۱۰).

این روایت از نظر سند صحیح است. انیس بن ابی یحیی (المزی، ۱۴۰۰ هـ، ۳۸۲، ۵۷۱) و سمعان، أبویحیی الأسلمی (همان، ۱۳۷، ۲۵۸۸) و صفوان بن عیسی القرشی (همان، ۲۸۹۰، ۲۰۸، ۱۱۳) توثیق شده‌اند.

ج) ابوسلمه از ابوسعید خدری

عن ابي سلمه عن ابي سعيد الخدري، قال: سألت رسول الله عن المسجد الذي اسس على التقوى فقال: هو مسجدي هذا (بيهقي، ۱۴۰۵ هـ، ۵، ۴، ۴؛ مقریزی، ۱۴۲۰ هـ، ۷۲، ۱۰).

روایت دوم: ابی بن کعب

سهل بن سعد عن ابي بن كعب: ان النبي سئل عن المسجد الذي اسس على التقوى فقال: مسجدي هذا (طبري، ۱۴۲۰ هـ، ۱۷۲۳۳، ۶، ۴۷۵؛ خطیب، ۱۴۱۷ هـ، ۲۰۲۵، ۲۹۹، ۴؛ سیوطی، بی تا، ۲۸۷، ۴؛ شوکانی، ۱۴۱۴ هـ، ۴۰۵، ۲؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰ هـ، ۴۰۴، ۲؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ هـ، ۲۶۷، ۲؛ حاکم، ۱۴۱۱ هـ، ۳۲۸۴، ۲۶۴، ۲) (هذا حديث صحيح الاسناد ولم يخرجاه)، (ذهبي: اخرج من حديث ابي سعيد صحيح).

این روایت از نظر سند صحیح است. عمران بن ابی انس (المزی، ۱۴۰۰ هـ، ۴۴۸۱، ۳۱۰، ۲۲) و عبدالله بن عامر السلمی (همان، ۳۳۵، ۱۵۰، ۱۵، ۴۷۳۲) و الفضل بن دکین التیمی الطلحی، أبونعیم (همان، ۴۴۳۲، ۱۹۷، ۲۳) توثیق شده‌اند.

روایت سوم

... سهل بن سعد قال: كان رسول الله اذا سئل عن المسجد الذي اسس على التقوى قال: هو مسجدى (احمد، ۱۴۱۹هـ، ۸، ۴۳۴، ۲۲۹۰۱)؛ از پیامبر درباره «لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى» پرسیده شد. حضرت فرمود: مسجد من است.

سهل بن سعد گوید: هر وقت از پیامبر پرسیده می شد که منظور از «لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى» کدام مسجد است؟ می فرمود: منظور، مسجد من است.

عمران بن ابی انس از سهل بن سعد، عمران بن ابی انس رجل من الانصار عن سهل بن سعد قال: اختلف رجلا ن علي عهد رسول الله : في المسجد الذي اسس على التقوى فقال احدهما: هو مسجد النبي وقال الآخر: هو مسجد قباء. فاتيا رسول الله فسألاه فقال: هو مسجدى هذا (طبرى، ۱۴۲۰هـ، ۶، ۴۷۵، ۱۷۲۳۵).

سهل بن سعد گوید: دو نفر درباره «لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى» باهم مشاجره داشتند. یکی می گفت: منظور مسجد قباست. دیگری می گفت: منظور مسجد پیامبر است. نزد پیامبر رفتند. حضرت فرمود: منظور، مسجد من است.

روایت چهارم

زيد بن ثابت: ان رسول الله : سئل عن المسجد الذي اسس على التقوى، فقال: هو مسجدى هذا (سيوطى، بی تا، ۴، ۲۸۷؛ شوکانی، ۱۴۱۴هـ، ۲، ۴۰۵)؛ زيد بن ثابت گوید: از پیامبر پرسش شد «لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى» کدام مسجد است؟ فرمود: مسجد من.

روایت پنجم: ابن عمر

عن عثمان بن عبيد الله قال: ارسلنى محمد بن ابى هريره الى ابن عمر اسأله عن المسجد الذى اسس على التقوى، اى مسجد هو؟ مسجد المدينة او مسجد قباء؟ قال: لا، مسجد المدينة (طبرى، ۱۴۲۰هـ، ۶، ۲۷۳، ۱۷۲۱۵).

از ابن عمر درباره «لَمَسْجِدٍ» پرسیده شد که کدام مسجد است؟ گفت: مسجد پیامبر است.

عثمان بن عبیدالله عن ابن عمر و زید بن ثابت و ابی سعید قالوا: المسجد الذی اسس علی التَّقْوَى مسجد الرسول (همان، ۱۷۲۱۶، ۶۴۷۳؛ سیوطی، بی تا، ۴۲۸۷؛ بغوی، ۱۴۲۰ هـ ۳۱۰۸؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰ هـ ۵۵۰۴؛ شوکانی، ۱۴۱۴ هـ ۲۴۰۵).

عثمان بن عبیدالله از ابن عمر و زید بن ثابت و ابوسعید روایت کرده‌اند: منظور، مسجد پیامبر است.

روایت ششم: سعید بن مسیب

سعید بن مسیب گوید: منظور از «لَمَسْجِدُ أُسَسَ عَلَي التَّقْوَى» مسجد بزرگ مدینه است (طبری، ۱۴۲۰ هـ، ۱۷۲۲۲، ۶۴۷۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ هـ ۶۱۴۷).

این روایات، که برخی صحیح‌ه‌اند، دلالت دارند که منظور از «لَمَسْجِدُ أُسَسَ عَلَي التَّقْوَى» مسجد رسول خداست. از برخی این روایت استفاده می‌شود که این اندیشه در زمان پیامبر نیز وجود داشت و برخی می‌گویند که بگویند، این آیه درباره مردم قبا نازل شده است.

۳. دیدگاه دانشمندان

هرچند دو دسته روایات وجود دارد و بین دانشمندان اختلاف نظر است؛ اما تعدادی این روایات را که گویند منظور مسجد رسول خداست، به دلیل صحیح بودن ترجیح داده‌اند؛ از جمله:

طبری گوید: به نظر من این دیدگاه که منظور مسجد رسول خداست، به دلیل روایات صحیح‌ه‌ای که از پیامبر روایت شده است، ترجیح دارد (طبری، ۱۴۲۰ هـ، ۶۴۷۴).

عبدالرحمن ثعالبی گوید: ابن عباس و گروهی از صحابه و تابعان گویند: منظور مسجد قباست؛ اما از ابن عمر و ابوسعید و زید روایت شده که منظور مسجد پیامبر است. قول دوم شایسته‌تر است، چون در برابر احادیث صحیح‌ه، قول دیگری مطرح نیست (ثعالبی، ۱۴۱۸ هـ ۲۱۴۰).

بررسی تطبیقی شأن نزول آیه «لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى» از نگاه اهل سنت و شیعه | ۱۲۷

شوکانی معتقد است: روایات صحیح‌ه‌ای که گویند منظور مسجد پیامبر است، ترجیح دارند. سخن صحابه و افراد دیگر نمی‌توانند با روایات صحیح‌ه که صراحت دارند برابری کنند (شوکانی، ۱۴۱۴ هـ، ۴۰۳ و ۴۰۶).^۲

قرطبی گوید: از روایات صحیح‌ه رسیده که منظور مسجد پیامبر است، و روایت ابوسعید در این موضوع، صراحت دارد. پس، هیچ دیدگاه دیگری در برابر این روایات ارزش ندارد (قرطبی، ۱۳۸۴ هـ، ۲۶۰).^۸

ابن کثیر گوید: گروهی گفته‌اند منظور، مسجد قباست؛ اما از روایات صحیح‌ه رسیده که منظور مسجد پیامبر است. مسجد پیامبر شایسته‌تر است که براساس تقوی تأسیس شده باشد (ابن کثیر، ۱۴۲۰ هـ، ۲۱۴؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ هـ، ۲۶۷).^۲

آلوسی گوید: برخی از محققان این را گزیده‌اند که منظور مسجد پیامبر است، هر چند گروهی گفته‌اند منظور مسجد قباست؛ اما افرادی که این دیدگاه (مسجد پیامبر) را پذیرفته‌اند نیز بسیار هستند (آلوسی، بی‌تا، ۱۱، ۲۰).^{۲۱}

فخر رازی گوید: بیشتر گفته‌اند که منظور، مسجد پیامبر است (فخر رازی، ۱۴۲۰ هـ، ۱۴۷).^۶ چنان که ملاحظه شد، تعدادی از مفسران این روایات صحیح‌ه را بر دیگر روایات و دیدگاه‌ها ترجیح داده و گفته‌اند، منظور مسجد پیامبر است.

۴. روایات و مفسران شیعه

در کتاب‌های روایی شیعه نیز چند روایت آمده که منظور مسجد قباست. یک روایت را علی بن ابراهیم قمی از پدرش و او با دو سند از امام صادق روایت کرده است.

علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن حماد بن عيسى عن الحلبي، عن ابي عبد الله قال: سألته عن المسجد الذي أسس على التقوى قال: مسجد قبا (کلینی، ۱۴۰۵ هـ، ۲۹۶؛ عیاشی، بی‌تا، ۲، ۱۱۱؛ نوری، بی‌تا، ۳، ۴۲۸).^۳

علی بن ابراهیم، عن ابيه، عن ابن ابي عمير، و محمد بن اسماعيل، عن الفضل ابن شاذان، عن صفوان بن يحيى، و ابن ابي عمير جميعا، عن معاوية بن عمار قال: قال أبو عبد الله: لا تدع أتيان المشاهد كلها مسجد قبا فانه المسجد الذي أسس على التقوى من أول يوم (کلینی، ۱۴۰۵ هـ، ۵۶۰).^۴

سند این دو روایت، به جز ابراهیم قمی، همه توثیق شده‌اند (اردبیلی، ۱۳۳۱؛ حلبی، بی‌تا، ۲، ۱۵۱ و ۴۴۲؛ حماد بن عیسی، بی‌تا، ۲۷۳؛ محمد بن ابی عمیر، بی‌تا، ۲، ۵۰؛ ابراهیم بن هاشم قمی، بی‌تا، ۱، ۳۸). اما در توثیق ابراهیم بن هاشم قمی مطلبی نیامده است. از این رو، درباره اعتبار روایات او اختلاف نظر است.

در نهایت، این تنها روایت قابل توجه است که از طریق شیعه رسیده و به دلیل آنکه ابراهیم بن هاشم توثیق نشده، پس از نظر سند ضعیف است.

عیاشی: عن زرارة و حمران و محمد بن مسلم عن أبي جعفر و أبي عبدالله عن قوله: «لمسجد اسس على التقوى من أول يوم» قال: مسجد قبا (عیاشی، بی‌تا، ۲، ۱۳۶، ۱۱۱؛ نوری، بی‌تا، ۳، ۴۲۸). این روایت نیز از دو جهت قابل استناد نیست. نخست آنکه، بدون سند روایت شده است. دوم، استناد این تفسیر به عیاشی ثابت نیست و در اعتبار این تفسیر تردید وجود دارد؛ بلکه عده‌ای آن را مردود دانسته‌اند.

۵. مفسران شیعه

مفسران شیعه نیز به استناد همین روایات و به استناد روایات و دیدگاه مفسران اهل سنت، گفته‌اند: منظور مسجد قباست.

قمی: من اول يوم، یعنی مسجد قبا... المتطهرين قال كانوا يتطهرون بالماء (قمی، بی‌تا، ۳، ۵). هر چند در تفسیر موجود و نیز در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی همین مطلب آمده است که ملاحظه شد، اما در استناد این تفسیر به علی بن ابراهیم تردید وجود دارد. شیخ طوسی گوید: دو قول است. ابن عباس و حسن عطیه: مسجد قبا، و ابن عمر و سعید: مسجد النبی. شیخ طوسی گوید: من أول يوم معناه اول الايام؛ این سخن او اشعار دارد که منظورش تأسیس در آغاز هجرت است. سپس، وی برخی از روایات اهل سنت را آورده است (شیخ طوسی، بی‌تا، ۵، ۲۹۳).

از آنجا که شیخ طوسی در تفسیر تبیان بیشتر به بیان دیدگاه و روایات اهل سنت پرداخته و این تفسیر را تفسیر تقریبی بین شیعه و اهل سنت نوشته است، نمی‌تواند دیدگاه خالص شیعی باشد.

فیض در الاصفی گوید: منظور مسجد قباست که در آغاز هجرت تأسیس کرده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ هـ، ۲۰۴۹۲). وی در صافی نیز آن را به مسجد قبا تفسیر کرده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ هـ، ۲، ۳۷۵)؛ اما درباره «من اول یوم» گوید: من آیام وجوده. در ضمن، او در ادامه، آغاز هجرت را نیز آورده است. وی همان دو روایت کافی و عیاشی را نیز آورده است (فیض، ۱۴۱۸ هـ، ۲۰۳۷۸).

حویزی نیز گفته است: منظور مسجد قباست و سپس، دو روایت شیعه و روایات اهل سنت را آورده است (حویزی، ۱۴۱۵ هـ، ۲۰۲۶۷).

مجلسی گوید: بیشتر مفسران گفته‌اند: منظور مسجد قباست. روایات ما نیز بر آن دلالت دارند (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۱۲، ۹۷). وی اول یوم را به معنای روز تأسیس گرفته و گوید: ای منذ اول یوم وضع اساسه (همان، ۲۱، ۲۵۴) و در جای دیگر گوید: اول یوم من آیام وجوده (همان، ۸۰، ۳۴۴). علامه طباطبایی معتقد است: هو مسجد قبا، لامسجد النبی أو غیره (طباطبایی، ۱۳۹۰ هـ، ۹، ۲۲۱). وی نیز همان روایت کافی و روایات اهل سنت را آورده است.

هرچند مفسران شیعه با اهل سنت اختلاف نظر ندارند، اما ملاحظه شد که مبانی نظری مفسران شیعه دو چیز است: **الف)** دیدگاه و روایات اهل سنت. **ب)** روایت حلبی و عیاشی. به دلیل آنکه همه این روایات از نظر سند ضعیف هستند، نمی‌توانند قابل استناد باشند؛ چه اینکه استناد مفسران نیز ضعف سند را جبران نمی‌کند.

۶. پیامبر و اهل بیت مصداق کامل آیه

باتوجه به ضعف سند و محتوای روایات مسجد قبا و صحیح بودن مسجد پیامبر، تردیدی نیست که منظور مسجد پیامبر است. براین اساس، رسول خدا و اهل بیت آن حضرت مصداق **يَجِبُونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا** است. برای اثبات این موضوع، می‌توان به دلایل یا شواهد ذیل استناد کرد:

اول: منظور از طهارت به دلیل اسراییلی بودن روایاتی که گذشت، قطعاً شستن عورتین نیست و منظور، طهارت معنوی است، چنان که بسیاری یا به عنوان قول مختار یا به عنوان یک قول گفته‌اند: منظور، طهارت از گناه است: زمخشری: هو التطهر من الذنوب (زمخشری، بی تا، ۴۷۴؛ سمرقندی، بی تا، ۲۶۵؛ نسفی، ۱۴۱۹ هـ ۱۷۱۰؛ المقدسی، ۱۴۳۰ هـ ۲۴۲؛ الماوردی، بی تا، ۴۰۳؛ شوکانی، ۱۴۱۴ هـ ۲۴۵۹؛ هروی، ۱۴۲۱ هـ ۱۲۵۵؛ المراغی، ۱۳۶۵ هـ ۱۱، ۲۶). و الواحدی: آی: من الشرك والنفاق والأنجاس (واحدی، ۱۴۱۵ هـ ۱۱، ۵۱). البقاعی: آی فی أبدانهم وقلوبهم کمال الطهارة (البقاعی، بی تا، ۴۱۶). ابوزهره: أن تخلص قلوبهم وتطهر نفوسهم من الرياء والكفر والنفاق (ابوزهره، بی تا، ۳۴۴۶). القشیری: يتطهرون عن المعاصي... وعن الشهوات والأمانی... وعن محبة المخلوقین... (القشیری، بی تا، ۳، ۱۶۷). فخر رازی: ...قولان: الأول: المراد منه التطهر عن الذنوب والمعاصی، وهذا القول متعين لوجوه: أولها: أن التطهر عن الذنوب والمعاصی هو المؤثر فی القرب من الله تعالی واستحقاق ثوابه ومدحه... (فخر رازی، ۱۴۲۰ هـ ۱۶، ۱۴۸). التستری: هذه الطهارة أراد بها الذکر لله تعالی سراً وعلانية والطاعة له (التستری، ۱۴۲۳ هـ ۱، ۷۴). نخجوانی: فیهِ وفي حوالبه رجال مؤمنون مخلصون کاملون فی الايمان بحيث یجبون دائماً مستمراً أن يتطهروا عن المعاصی والآثام (نخجوانی، ۱۴۱۹ هـ ۱، ۳۱۸).

از سوی دیگر، واژه طهارت و مشتقات آن در قرآن سی و یک بار به کار رفته و در هیچ کدام به معنای پاکیزگی از نجاست نیامده است. پیش از این هم گفتیم که پاکیزگی از نجاست، عبادت نیست و این طهارت باید تحقق عبادات الهی در مرتبه اعلی باشد، تا دوستی خداوند را، که در فراز دوم آمده و نتیجه آن است، در پی داشته باشد.

دوم: منظور از طهارت نیز تحقق مرتبه اعلای کمالات معنوی اعم از عقاید، اخلاق و عبادات است؛ زیرا رجال یجبون أن يتطهروا. یجبون، صرفاً اراده و خواستن نیست، بلکه تحقق عینی است؛ یعنی در عمل به مرتبه کمال رسیده‌اند. چون در فراز بعدی گوید «وَاللَّهُ يَجِبُ الْمُطَهَّرِينَ؛ خداوند پاکیزگان را دوست دارد». در این آیه نفرموده است، کسانی را دوست دارد که می‌خواهند پاکیزه شوند، و گرنه می‌گفت: متطهرین. پس، منظور تحقق

عینی طهارت، ثبات و استمرار آن برای همیشه است، تا بتواند دوستی خداوند بر آن مترتب شود.

سوم: شاهد دیگر بر کمال طهارت، اطلاق واژگان *يَجْبُونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا* است که به نظر می‌رسد بر طهارت نسبی همه مسلمانان، که از آن بهره‌ای دارند، دلالت ندارد؛ البته فراز دوم نیز این مفهوم را تقویت می‌کند که کمال طهارت را جز رسول خدا و اهل بیت ندارند. بر فرض تنزل از این دیدگاه، حداکثر شامل برخی از صحابه چون سلمان، ابوذر و عمار می‌شود.

چهارم: وقتی آیه *فِيهِ رِجَالٌ يَجْبُونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يَجِبُ الْمُطَهَّرِينَ* در کنار آیه *إِنَّمَا يَرِيذُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا* (احزاب: ۳۳، ۳۳) قرار می‌گیرد، استنباط می‌شود که هر دو بر یک موضوع نظر دارند. از نظر ترتیب نزول نیز سوره احزاب و آیه تطهیر پیش از آیه ۱۰۸ سوره توبه نازل شده است. پس، اینکه آیه ۱۰۸ سوره توبه ناظر بر آیه تطهیر باشد قوت دارد و گویی خداوند پیش از این، مصداق «يجبون أن يتطهروا» را بیان کرده است.

پنجم: جمله *أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ* هر چند مفسران واژه *أَنْ تَقُومَ* را به نماز تفسیر کرده‌اند، اما باید گفت این واژه در اصل به معنای ایستادن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ ۱۲، ۴۹۶). سپس، به تناسب همین معنی، به استواری در انجام کار و اقدام به کار رفته است. عبارت «*أَنْ تَقُومَ*»، یازده بار در قرآن آمده است. پنج مورد از آن درباره به پاشدن قیامت (روم: ۱۲ و ۱۴ و ۵۵؛ غافر: ۴۶؛ جاثیه: ۲۷)؛ یک مورد درباره استواری آسمان و زمین (روم: ۲۵)؛ یک مورد درباره قیام برای اجرای فرمان خدا (طور: ۴۸)؛ یک مورد درباره قیام برای تحقق رسالت (شعرا: ۲۱۸)؛ یک مورد درباره ایستادن (نمل: ۳۹) و فقط یک مورد درباره عبادت‌های شبانه است که نماز بخشی از آن است (المزمل: ۱۹). این واژه دوبار به صورت جمع آمده است. یک بار به معنای اقدام برای امور ایتم (نساء: ۱۲۷) و یک بار به معنای اقدام برای خداوند است (سباء: ۴۶). معنای جامع این موارد، اقدام استوار و پایدار است. این واژه در فرهنگ لغت و در هیچ جای قرآن به معنای نماز خواندن نیامده است. از این جهت، اختصاص آن به نماز وجهی ندارد. مفسران به قرینه مسجد به نماز تفسیر کرده‌اند. اینجا بامعنای اقدام‌های سیاسی، عبادی و اجتماعی و... که

شامل نماز جمعه و جماعت و دیگر امور مربوط به بعثت، بیشتر سازگار است؛ که در حقیقت به معنای اقدام استوار برای تحقق اهداف رسالت است.

نشم: از «فیه رجال» که به معنای ظرفیت است، می‌توان استنباط کرد که در آن مسجد، افرادی به‌طور مستمر حضور دارند. کسانی که در مسجد پیامبر ساکن بودند و حضور مستمر داشتند، اهل بیت رسول خدا بودند. زیرا براساس روایاتی که رسیده است، اهل بیت در خود مسجد ساکن بودند؛ یعنی خانه حضرت زهرا و امام علی جزء مجموعه مسجد بود (صدوق، ۱۳۸۵، ۱۰۲۰۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۸، ۶۱).

از این شواهد و قراین استفاده می‌شود که منظور از «فیه رجال»، اهل بیت پیامبر هستند، و بعید نیست که منافقان و یهودیان به‌منظور بازداشتن مردم از تفسیر واقعی این آیه و فضایل اهل بیت، آن روایات را جعل کرده باشند؛ چنان‌که در موضوع آیه تطهیر و دیگر آیات این کار را به شکل گسترده انجام داده‌اند.

نتیجه‌گیری

از سوی اهل سنت دو دسته روایات رسیده است:

۱. روایاتی که می‌گویند منظور مسجد قباست، از نظر سند ضعیف و برخی به عبدالله بن سلام و کعب الاحبار یهودی می‌رسد که از نظر محتوی نیز ایراداتی دارد.
۲. روایاتی که می‌گویند منظور مسجد پیامبر است، از نظر سند صحیح می‌باشند. تعدادی از مفسران اهل سنت نیز همین نظر را اختیار نموده و گفته‌اند، منظور مسجد پیامبر است.

در ضمن، از سوی شیعه نیز چند روایت رسیده که منظور مسجد قباست، اما از نظر سند ضعیف و قابل استناد نمی‌باشند. مفسران شیعه به روایات کافی و عیاشی و روایات اهل سنت استناد نموده‌اند.

باتوجه به ضعف سند در روایات مربوط به مسجد قبا و صحیح بودن روایات مربوط به مسجد پیامبر و شواهدی که در این آیات و آیات دیگر وجود دارد، می‌توان استنباط

بررسی تطبیقی شأن نزول آیه «لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى» از نگاه اهل سنت و شیعه | ۱۳۳

کرد که منظور از «فیه رجال»، اهل بیت رسول خداست. بعید نیست که دشمنان اهل بیت آن روایات را جعل کرده باشند تا مردم را از تفسیر واقعی این آیه بازدارند، چنان که درباره برخی از آیات دیگر این کار انجام داده‌اند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، سید محمود؛ **روح المعانی**؛ الطبعة الأولى، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ هـ..
۳. ابن ابی شیبہ؛ **المصنف**؛ الطبعة الأولى، الرياض: مكتبة الرشد، ۱۴۰۹.
۴. ابن الأثیر، عزالدین أبو الحسن علی بن أبی الکریم؛ **أسد الغابة**؛ محقق علی محمد و عادل أحمد؛ الطبعة الأولى، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۵. ابن جندي، أبو سعید المفضل بن محمد؛ **فضائل المدینة**؛ دمشق: دارالفکر، بی تا.
۶. ابن حبان، محمد بن حبان؛ **المجروحین**؛ المحقق محمود إبراهيم؛ الطبعة الأولى، حلب: دارالوعی، ۱۳۹۶ هـ.
۷. ابن حجر العسقلانی، أحمد بن علی بن حجر؛ **فتح الباری**؛ بیروت: دارالمعرفة، ۱۳۷۹.
۸. _____؛ **الاصابة**؛ تحقیق عادل أحمد و علی محمد، الطبعة الأولى، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ هـ.
۹. ابن سعد، أبو عبد الله محمد بن سعد بن منیع الهاشمی بالولاء؛ **الطبقات الكبرى**؛ تحقیق محمد عبدالقادر عطا؛ الطبعة الأولى، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ هـ - ۱۹۹۰.
۱۰. ابن عاشور، محمد الطاهر بن محمد؛ **التحریر والتنویر**؛ تونس: لدار التونسية، ۱۹۸۴ هـ.
۱۱. ابن عال، ابو حفص سراج الدین عمر بن علی؛ **الباب فی علوم الكتاب**؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ هـ.
۱۲. ابن عبد البر، أبو عمر یوسف بن عبد الله؛ **الاستیعاب**؛ المحقق علی محمد الجاوی؛ الطبعة الأولى، بیروت: دارالجيل، ۱۴۱۲ هـ - ۱۹۹۲.
۱۳. ابن عدی، عبد الله بن عدی؛ **الکامل فی ضعفا الرجال**؛ الطبعة الثالثة، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹.
۱۴. ابن عساکر، أبو القاسم علی؛ **تاریخ دمشق**؛ المحقق عمرو بن غرامة؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ هـ.
۱۵. ابن کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر؛ **البدایة والنهایة**؛ الطبعة الأولى، بی جا: إحياء التراث العربی، ۱۴۰۸ هـ.
۱۶. _____؛ **تفسیر**؛ الطبعة الثانية، بی جا: دارطیبه للنشر والتوزیع، ۱۴۲۰ هـ..
۱۷. ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی؛ **لسان العرب**؛ الطبعة الثالثة، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ هـ..
۱۸. أبو حیان، محمد بن یوسف الأندلسی؛ **البحر المحيط**؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ هـ..
۱۹. ابوری، محمود؛ **ابوهریره شیخ المضیره**؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۳ ق.
۲۰. أبو زهره، محمد بن أحمد؛ **زهره التفسیر**؛ بی جا: دارالفکر العربی، بی تا.
۲۱. احمد بن حنبل؛ **المسند**؛ الطبعة الأولى، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۹ هـ..
۲۲. اردبیلی، محمد بن علی الغروی الحانزی؛ **جامع الرواة**؛ بی جا: مکتبه المصطفوی، ۱۳۳۱.
۲۳. الأندلسی، أبو حیان محمد بن یوسف؛ **البحر المحيط**؛ المحقق صدقی محمد جمیل؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ هـ..
۲۴. بخاری، محمد بن إسماعیل؛ **الضعفاء الصغیر**؛ الطبعة الأولى، حلب: دارالوعی، ۱۳۹۶ هـ..
۲۵. بغوی، أبو محمد الحسن بن مسعود؛ **معالم التنزیل**؛ الطبعة الأولى، بیروت: إحياء التراث العربی، ۴۲۰ هـ..
۲۶. بقاعی، إبراهيم بن عمر؛ **نظم الدرر فی تناسب الآيات والسور**؛ موقع التفسیر: <http://www.altafsir.com>.

بررسی تطبیقی شأن نزول آیه «لَمَسْجِدٍ أُسَسَ عَلَى التَّقْوَى» از نگاه اهل سنت و شیعه | ۱۳۵

۲۷. بهیقی، ابوبکر أحمد بن الحسین؛ **دلائل النبوه**؛ الطبعة الأولى، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ هـ..
۲۸. ترمذی، محمد بن عیسی؛ **الجامع الكبير - سنن الترمذی**؛ المحقق بشار عواد معروف، بیروت: دارالغرب الإسلامی، ۱۹۹۸ م.
۲۹. تستری، ابو محمد سهل بن عبدالله؛ **تفسیر**؛ جمعها ابوبکر محمد البلدی؛ المحقق محمد باسل عیون السود؛ الطبعة الأولى، بیروت: منشورات محمد علی بیضون، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳ ق.
۳۰. الثعالبی، ابوزید عبدالرحمن؛ **الجواهر الحسان**؛ الطبعة الأولى، بیروت: إحياء التراث، ۱۴۱۸ ق.
۳۱. جوزجانی؛ **احوال الرجال**؛ بی جا: بی نا، بی تا.
۳۲. حاکم النیسابوری، محمد بن عبدالله؛ **المستدرک**؛ الطبعة الأولى، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ هـ..
۳۳. حلبی، علی بن إبراهیم برهان الدین؛ **السيره الحلبیه**؛ الطبعة الثانية، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۷ هـ..
۳۴. حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ **تفسیر نور الثقلین**؛ قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ هـ.
۳۵. خازن، علاء الدین علی بن محمد؛ **لباب التأویل**؛ الطبعة الأولى، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ هـ..
۳۶. خطیب البغدادی، أحمد بن علی؛ **تاریخ بغداد**؛ الطبعة الأولى، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ هـ..
۳۷. الدارقطنی، علی بن عمر؛ **سنن**؛ الطبعة الأولى، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۴ هـ..
۳۸. الدیار بکری، حسین بن محمد بن الحسن؛ **تاریخ الخميس**؛ بیروت: دار صادر، بی تا.
۳۹. ذهبی، شمس الدین محمد؛ **تاریخ الإسلام**؛ الطبعة الثانية، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۱۳ هـ..
۴۰. _____؛ **میزان الاعتدال**؛ الطبعة الأولى، بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۸۲ هـ..
۴۱. رازی، عبدالرحمن؛ **الجرح والتعديل**؛ الطبعة الأولى، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۲۷۱ هـ..
۴۲. الزحلی، وهبه بن مصطفى؛ **التفسیر المنیر**؛ الطبعة الثانية، دمشق: دارالفکر، ۱۴۱۸ ق.
۴۳. زمخشری، أبو القاسم محمود بن عمر؛ **الکشاف**؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۴۴. سمرقندی، ابواللیث نصر بن محمد؛ **بحر العلوم**؛ بی جا: بی نا، بی تا.
۴۵. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن أبی بکر؛ **السیوطی**؛ بیروت: دار الفکر، بی تا.
۴۶. شوکانی، محمد بن علی؛ **فتح القدير**؛ الطبعة الأولى، دمشق: دار ابن کثیر؛ بیروت: دارالکلم الطیب، ۱۴۱۴ هـ..
۴۷. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی القمی؛ **علل الشرايع**؛ بی جا: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۸۵.
۴۸. طباطبائی، محمد حسین؛ **المیزان**؛ بی جا: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۴۹. طبرانی، سلیمان بن أحمد؛ **المعجم الاوسط**؛ القاهرة: دارالحرمن، بی تا.
۵۰. _____؛ **المعجم الكبير**؛ الطبعة الأولى، القاهرة: مكتبة ابن تیمیه، ۱۴۱۵ ق.
۵۱. طبرسی، فضل بن حسن؛ **مجمع البیان**؛ تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ق.
۵۲. طبری، محمد بن جریر بوجعفر؛ **جامع البیان**؛ الطبعة الأولى، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۰ ق.
۵۳. طوسی، محمد بن حسن؛ **التهیاب**؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۵۴. عقیلی، ابوجعفر محمد بن عمرو؛ **الضعفاء الكبير**؛ الطبعة الأولى، بیروت: دارالمکتبه العلمیه، ۱۴۰۴ هـ..
۵۵. عیاشی، محمد؛ **کتاب التفسیر**؛ بی جا: بی نا، بی تا.
۵۶. فخر رازی، أبو عبدالله محمد بن عمر؛ **مفاتیح الغیب (التفسیر الكبير)**؛ الطبعة الأولى، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ هـ.
۵۷. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی؛ **الأصفي**؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸ ق.

۵۸. _____: **تفسیر الصافی**؛ تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق.
۵۹. القرطبی، أبو عبدالله محمد: **الجامع لأحكام القرآن**؛ الطبعة الثانية، القاهرة: دارالکتب المصریه، ۱۳۸۴ق.
۶۰. القشیری النیسابوری، مسلم بن الحجاج؛ **الصحيح**؛ المحقق محمدفؤاد عبدالباقي؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۲ق.
۶۱. قشیری عبدالکریم بن هوازن: **لطائف الإشارات (تفسیر القشیری)**؛ المحقق إبراهيم البسیونی؛ الطبعة الثالثة، مصر: هیئته المصریه العامه للكتاب، بی تا.
۶۲. قمی، علی بن ابراهیم: **تفسیر**؛ قم: دارالکتب، ۱۳۶۳ ش.
۶۳. کلینی، محمد بن یعقوب: **کافی**؛ بیروت: دارالأضواء، ۱۴۰۵ هـ..
۶۴. لصالحي الشامي، محمد بن يوسف: **سبل الهدى والرشاد**؛ تحقیق وتعلیق الشيخ عادل أحمد؛ الطبعة الأولى، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ هـ - ۱۹۹۳ م.
۶۵. الماوردی، أبو الحسن علی بن محمد: **من روائع التفاسیر النکت و العیون تفسیر الماوردی**؛ المحقق السيد ابن عبد المقصود بن عبد الرحیم؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، بی تا.
۶۶. مجلسی؛ محمد باقر **بحار الانوار**؛ بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۶۷. مراغی، أحمد بن أحمد بن مصطفى: **تفسیر مراغی**؛ الطبعة الأولى، مصر: شرکه مکتبه ومطبعه مصطفى البایب الحلبي وأولاده، ۱۳۶۵ هـ - ۱۹۴۶ م.
۶۸. المزی، یوسف؛ **تهذیب الکنال فی أسماء الرجال**؛ الطبعة الأولى، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۰ق.
۶۹. مقدسی، مجیرالدین بن محمد: **فتح الرحمن**؛ الطبعة الأولى، بی جا: دارالنوار، ۱۴۳۰ هـ..
۷۰. مقریزی، تقی الدین أحمد بن علی بن عبدالقادر؛ **إمتاع الأسماع**؛ المحقق محمد عبدالحمید النمیسی؛ الطبعة الأولى، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ هـ - ۱۹۹۹ م.
۷۱. نخجوانی، نعمه الله بن محمود؛ **الفوائد الإلهیه**؛ الطبعة الأولى، مصر: دار رکانی للنشر - الغوریه، ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۹ م.
۷۲. النسائی، أحمد بن شعيب: **السنن الكبرى**؛ الطبعة الأولى، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
۷۳. _____: **الضعفاء والمتروكون**؛ الطبعة الأولى، حلب: دارالوعی، ۱۳۹۶ هـ..
۷۴. النسفی، أبو البركات عبدالله بن أحمد: **تفسیر النسفی (مدارك التنزيل وحقائق التأویل)**؛ حقه وخرج أحادیثه یوسف علی بدیوی؛ راجعه وقدم له محیی الدین ديب؛ الطبعة الأولى، بیروت: دارالکلم الطیب، ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۸ م.
۷۵. نوری، میرزا حسین؛ **مستدرک الوسائل**؛ بی جا: بی نا، بی تا.
۷۶. هروی، محمد بن عبدالله؛ **حدائق الروح والریحان**؛ الطبعة الأولى، بیروت: دارطوق النجاة، ۱۴۲۱ هـ..
۷۷. الهیثمی، نورالدین علی بن أبی بکر؛ **مجمع الزوائد**؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۲ هـ.